پیامبراعظمﷺ، هویّت و ارزشمندی زنان (زنان مکّه)

معصومه امیری*

چکیده

هویّت همان «خودپنداره» است، یعنی مجموعه صفات و ویژگی‌های که معتقدیم در ما وجود دارد و خود را آنگونه می‌شناسیم. در عصر جاهلیّت تفاوت‌های حقوقی و تبعیض‌های جنسیتی فراوانی بین زن و مرد وجود داشت. غالب زنان جامعه، هویّتی تعریف شده را پذیرفته بودند، آن‌ها خود را موجودی فاقد حق و حقوق که جهت ازدیاد نسل و خدمت برای جنس مردان آفریده شده می‌دانستند. پیامبر گرامی اسلامﷺ با اقدامات مؤثر خود از جمله بیعت با زنان و تکریم شخصیّت آنان در فضای سراسر خفقان مکّه، سعی در تغییر نگرش زنان نسبت به خودشان داشتند. این اقدامات باعث ترسیم هویّت و ارزشمندی زنان شد.

کلیدواژه ها

پیامبراعظمﷺ، هویّت، ارزشمندی، زنان مکّه.

* کارشناسی معارف جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، پژوهشگر گروه مطالعات و تحقیقات زنان افغانستان.

مقدمه

برداشت و شناختی که زن از خود خواهد داشت با نوع نگرش و انتظاری که دیگران از او به منزله زن دارند ارتباط تنگاتنگی دارد. هویّت زنانه موفّق، آن است که مقبولیت اجتماعی نیز به آن ضمیمه شود، به این معنا که هویّت زنانه به رسمیّت شناخته و ارزشمند تلقی شود؛ پیامبرگرامی اسلامﷺدرحالی‌که هویّت غالب زنان جامعه از رسمیّت و ارزشمندی برخوردار نبود، انقلابی بزرگ در اندیشه مردم بوجود آورد و رسومات و معادلات چندین ساله عرب را برهم زد.

سوال اصلی این است که پیامبرﷺ با چه اقداماتی توانستند در جامعه مردسالار مکّه، خودپنداره زنان را تغییر دهند و به زنان هویّتی نوین ببخشند و باعث ارزشمندی آنان شوند؟

هدف و ضرورت:

دیدگاه و سیره پیامبرگرامی اسلامﷺ در مورد زنان به روشنی نشان می‌دهد که زنان همتای مردانند و همانند آنان از هویّتی انسانی و ارزشمند برخوردارند. امّا در برخی از جوامع اسلامی هنوز تفکر جاهلیّت نسبت به زنان بر ذهنیت مسلمانان حاکم است و هویّت زنانه و نقش‌های آنان از ارزشمندی برخوردار نیست. متأسفانه این‌گونه امور با سیره نبویﷺ تعارض دارد. هدف و ضرورت از نگارش این مقاله این است که بتوانیم با الگوبرداری از سیره پیامبرﷺ به تبیینی شفاف از هویّت و ارزشمندی مسئولیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان دست یابیم.

پیشینه

کتاب‌های گوناگونی به بحث پیرامون موضوع پیامبراعظمﷺ و زنان پرداخته‌اند و از جنبه‌های گوناگون آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. مانند کتاب گونه‌شناسی رفتار پیامبراعظمﷺ با زنان، نوشته ناهید طیبی، و یا کتاب زن در سیره پیامبراعظمﷺ نوشته فریبا علاسوند که هر کدام به طور خلاصه به برخی از رفتارها و عملکردهای پیامبرگرامی

اسلامﷺ در ارتباط با زنان اشاره کرده‌اند. امّا در هیچ کدام از آن‌ها به طور خاص به بحث هویّت‌بخشی و ارزشمندی زنان در سیره پیامبراعظمﷺاشاره‌ای نشده است.

مفهوم شناسی

سیره

«سیره» بر وزن «فِعله» که در زبان عربی بر نوع و کیفیت عمل دلالت می‌کند، از «سِیر» به معنای رفتن، سیر کردن در زمین، حرکت کردن، گذشتن و عبور کردن می‌آید.(ابن‌منظور، بی‌تا: ج۶، ۴۵۳) این واژه، حالت و چگونگی حرکت را نیز بیان می‌کند.

«سیره» حالت درونی است که انسان و غیرانسان، نهاد و وجودشان بر آن قرار دارد؛ خواه غریزی و خواه اکتسابی باشد، چنان‌که می‌گویند: فلان شخص سیره و شیوه‌ای نیک یا زشت دارد. (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۷) در مباحث تاریخی، نویسندگانی که اثر خود را «سیرة النبیﷺ» نامیده‌اند، به شرح آن بخش از حوادث زندگی پیامبراکرمﷺ پرداخته‌اند که سبک و رفتار آن حضرتﷺرا بازگو می‌کند.

سیره در اصطلاح به معانی متفاوتی به کار رفته است. برخی از سیره‌شناسان آن را به معنای طریقه و حالت دانسته که برگرفته از معنای لغوی آن است. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ج۱۴، ۱۹۹) برخی سیره را برابر با تاریخ و ثبت وقایع تاریخی قرار داده‌اند (ملک‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۱) چنان‌که عرف تاریخ‌نویسان همین معنا را تأیید می‌کند و برداشت عمومی آن‌ها از سیره، ذکر حوادث و سرگذشت افراد می‌باشد که سیره‌های تدوین یافته گواه بر این امر است.

این دو معنا از سیره، یکی معنای عام سیره که عبارت است از ثبت وقایع تاریخی و سرگذشت افراد، و دوم به معنایی خاص که سبک و قاعده رفتار می‌باشد اشاره دارد.

هویّت

هویّت یکی از نیازهای طبیعی انسان است که برآورده شدن این نیاز، باعث خودآگاهی در فرد می‌شود. به طور کلی هویّت، همان «خودپنداره» است، یعنی صفاتی که

معتقدیم در ما وجود دارد هرچند چنین اعتقادی تنها یک توهّم باشد. می‌توان این خودپنداره را به مجموعه احساسات و باورهای فرد درباره خود تعریف کرد. این کلمه به ویژگی‌ها و تفاوت‌های اساسی‌ای که یک شخص را از همه افراد دیگر متمایز می‌کند و موجب تشخیص فرد می‌شود، اشاره دارد. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۴۵).

هویّت دارای ابعاد و جنبه‌های مختلفی است و مهّم‌ترین بُعد آن، هویّت فردی و هویّت اجتماعی است. هویّت فردی، گویای تفاوت‌های فردی است و فرد را متمایز از دیگر اشخاص معرفی می‌کند. امّا هویّت اجتماعی ناظر بر تشابهات فرد با افراد جامعه است. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۴۶).

جامعه‌شناسان و روان‌شناسان مصالح و منابع گوناگونی را برای هویّت برشمرده‌اند. ارزش‌گذاری و ارزشیابی که نسبت به خود داریم، برداشت‌ها و رفتارهای دیگران نسبت به ما، تربیت و نقش‌هایی که بر عهده داریم نیز از عناصر و اجزای اصلی هویّت سازی است. (گل-محمدی، ۱۳۸۱: ۲۳۰ ـ ۲۳۶).

هویّت زن در جامعه عرب

بررسی رفتار و نوع عملکرد افراد در دوره خاص زمانی با در نظر گرفتن فضای حاکم و اندیشه غالب آن زمان واقع گرایانه‌تر است لذا بدون توجه به موقعیت زن در عصر جاهلیّت نمی‌توان جایگاه و نقش مؤثر پیامبرﷺ در هویّت‌بخشی به زنان را بررسی نمود.

در عصر جاهلیّت که پیامبرﷺ متولد شد و زندگی می‌کرد، انسان فی‌نفسه و بدون قبیله و نسب تعریفی نداشت و ارزش‌های انسانی به تبع موقعیّت و جایگاه قبیله‌ای، نسب و میزان نفوذ در قبیله تعریف می‌شد. جامعه متشکل از دو دسته بود. در مورد مردان: حُرّ(آزاد) و عبد(بنده) و در مورد زنان: حُرّه و اَمه بود. عبد و امه تحت تملک مولای خود بودند و هر آنچه را که مولایشان می‌خواست باید انجام می‌داد و هیچگونه حقّ تصرف و اختیاری نداشت. بین حرّ و حرّه، تفاوت حقوقی و تبعیض‌های چشمگیری وجود داشت، مردها جنس برتر و زنان جنس پست‌تر جامعه محسوب می‌شدند. دختران در برخی از قبائل به رسم غلط جاهلیّت از حق حیات

محروم بودند و اصلاً آن‌ها را تداوم بخش نسل خود نمی‌دانستند، حتی اگر فردی چند تا دختر داشت وی را ابتر می‌دانستند.

البته زنان نیز این هویّت تعریف شده را ـ که فرهنگ جاهلی مردسالار عرب برای آن‌ها دیکته می‌کرد ـ نسبت به خود پذیرفته بودند. کسی در اندیشه اینکه جایگاه و منزلت واقعی‌ام، ویژگی‌ها و توانایی‌های من چیست؟ نبود. به تبع این تفکر، اکثراً خود را موجودی برای ازدیاد نسل و خدمت به مردان می‌دانستند؛ حقّ مالکیت، مهریه، حق انتخاب همسر و دریافت ارث نداشتند و بلکه خودش جزء مایملک متوفی به حساب می‌آمد و مانند دیگر اشیاء به ورثه انتقال پیدا می‌کرد.(بیستونی، ۱۳۸۸: ج۱، ۹۲) در برخی موارد زن وجه المصالحه نزاع‌های قومی و قبیله‌ای بودند.(سبحانی، ۱۳۷۶: ج۱، ۵۰) در کارهای سیاسی اجتماعی جامعه، زنان حضور نداشتند؛ زیرا آنان به عنوان نیمی از افراد جامعه به رسمیت شناخته نمی‌شدند. بارزترین حضور اجتماعی آنان حضور در جبهه‌های جنگ به منظور آوازه‌خوانی، بیان اشعار و سخنانی برای تهییج احساسات لشکریان بود. (بردبار، ۱۳۹۲: ۲۹۷) البته فشارهای مختلفی به لحاظ سنت‌ها، ارزش‌های اجتماعی، تلقیات مردم و نظایر آن‌ها به طرفداری از این موقعیت و جایگاه ارزشی زنان وجود داشت.

ناگفته نماند که این توصیفی از وضعیت فراگیر زنان جامعه عرب جاهلیّت است و موارد استثناء در برجستگی اندیشه و عملکرد برخی از زنان مانند حضرت خدیجه علیها السلام (در حیطهٔ امور اقتصادی)، خنساء دختر عمرو بن الحارث (در حیطهٔ ادبیات و شعر) و دختر اوس بن حارثه (در زمینه مسائل اجتماعی) اولاً، محدود و منحصر هستند ثانیاً، نماینده کلّ زنان جامعه نیستند و نمی‌توان موقعیت آنان را به همه زنان جامعه تسرّی داد و اینکه جامعه عرب کم و بیش زن ستیز بوده را انکار کرد (روحانی، ۱۳۸۲: ۳۱).

اقدامات اثرگذار پیامبر ﷺ در جهت هویّت‌بخشی به زنان

پیامبر خداﷺ در دوران خفقان و سراسر تبعیض مکّه پایه‌گذار نظام معرفتی جدید و دنبال‌رو هدفِ بزرگ، روشن و فراگیرِ پایان دادن به سلطه نظام‌مند قدرتمندان و سمتگران بر ضعیفان و تهی‌دستان بود. ایشان همیشه با صحبت از آرمان‌های برابری، آزادی و خردورزی همه انسان‌ها (زن و مرد) که تا بدان روز زنان از دایره شمول این مفاهیم حذف شده بودند، تلاش برای براندازی تفکر جاهلی پیرامون زنان و تغییر در نگرش زنان نسبت به خودشان داشت؛ زیرا کلید سعادت هر دو جهان، شناخت خویشتن است. هرگاه انسانی (چه زن چه مرد) نفس خویش را بشناسد و از گوهر وجودی خویش آگاه بشود احساس هویّت و ارزشمندی می‌کند. عدم اعتقاد و شناخت کافی مردان از جایگاه و منزلت والای زنان باعث شد که تنها نگاه لذّتی و هوس‌آلوده نسبت به زنان داشته باشند و آن را فقط ابزاری جهت رفع نیازهای شهوانی خود بدانند. البته حضرتﷺ نگرش مردان نسبت به زنان را هم دگرگون کرد. اقدامات اثرگذار پیامبرگرامی اسلامﷺ نسبت به زنان هم بر نقد صریح سنت‌های موجود و هم بر ترسیم هویّت و جایگاه ارزشمند زنان استوار بود.

پیامبراعظمﷺ با رفتار خود از جمله بیعت با زنان و تکریم آن‌ها عاملی بسیار تأثیرگذار در تحول اندیشه زنان جاهلی و شکل‌گیری هویّت فردی و هویّت مشترک نوین و احساس ارزشمندی در آنان بود. هویّت و احساس ارزشمندی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. شکل‌گیری هویّت موفّق در زنان باعث ایجاد احساس ارزشمندی و خودباوری در آنان می‌شود. افراد با هویّت موفّق خود را توانا، با کفایت و با ارزش می‌دانند و از طرفی دیگر افرادی که احساس ارزشمندی را تجربه نمی‌کنند، هویّت ناموفقی را کسب می‌کنند.

بیعت با زنان

بیعت قراری دو طرفه است که بیعت‌کننده جان خود را در اختیاری فردی که با او بیعت کرده قرار می‌دهد و از او در تمام امور، اطاعت می‌کرد، و در عصر جاهلی عملی کاملاً مردانه بود، افراد قبایل در مواقع خاص به‌ویژه هنگام جنگ با رئیس قبیله بیعت می‌کردند که این

بیعت ناظر به اطاعت آن‌ها از رئیس بود(حدادعادل، ۱۳۷۹: ۲۳۹) امّا پیرامون بیعت زنان در عهد جاهلی تاکنون مطلبی بدست نیامده است.

در اغلب کتاب‌های کهن از قبیل «الطبقات الکبری» در سیر مباحثی که در جلد ۸ پیرامون بیعت زنان مطرح شده است شرح حال ۵۷۲ زن را آورده است و که همراه با اسلام‌پذیری با بیان «بَایَعتُ مَعَ النَّبیِّ ﷺ» یا «بَایَعتُ مَعَ الرَّسُولِ ﷺ» با پیامبر ﷺ بیعت می‌کردند، همان‌گونه که مردان پس از مسلمان شدن بیعت می‌کردند و البته برخی نیز به سبب شرایط و مسائل مکّه پس از مسلمان شدن با فاصله زمانی بیعت می‌کردند.

نکات قابل تأمل در بیعت با زنان

۱ـ متأسفانه اکثر منابع و پژوهش‌ها پیرامون بیعت زنان مکّه با پیامبر ﷺ گرفتار کم‌توجهی و یا بی‌توجهی شده و تا قبل از فتح مکّه بحثی از بیعت آنان با پیامبر ﷺ بیان نشده است و صرفاً به بیان برخی از بیعت‌های زنان با پیامبر ﷺ (بیعت‌های عقبه و فتح مکّه) اکتفا کرده‌اند.

۲ـ در هیچ‌یک از منابع تاریخی گزارشی درباره بیعت زنان با رؤسای قبایل وجود ندارد. اساساً جامعه عرب ساختاری مردسالارانه داشته و بیعت هم عملی مردانه بود. پیامبراعظم ﷺ اوّلین کسی است که در جامعه مردسالار عرب با زنان بیعت کرده است. با توجه به حرکت پیامبر ﷺ در انتقال جامعه از فضای جاهلی به فضای مبتنی بر دین، این بیعت‌ها نشانی از هویّت و ارزشی است که دین اسلام و پیام آورش برای زنان قائل شده که از اهمیّت ویژه‌ای برخوردار است.

۳ـ بیعت‌های پیامبراعظم ﷺ در مکّه ماهیّتی سیاسی و اجتماعی نداشته است. برخی قائلند که بیعت پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ مفهوم و رنگ سیاسی و کارکرد انشائی به معنای اعطای حاکمیت و ریاست به خود گرفت. (حداد عادل، ۱۳۷۵: ۲۴۲) به هرحال بیعت زنان با پیامبراعظم ﷺ در مکّه ناظر به مشارکت اجتماعی نبوده و کارکرد تأکیدی به معنی نوعی اعلام وفاداری و تعهّد نسبت به اسلام و پیامبر عظیم‌الشأن ﷺ داشته است. البته این امر از ارزش این بیعت‌ها نمی‌کاهد. با توجه به اینکه وفای به عهد و پیمان یکی از بدیهی‌ترین

ارزش‌های اجتماعی است و قرآن‌کریم نیز به طورمستقیم و یا غیر مستقیم به بیان اهمیّت وفای به عهد پرداخته است.

خداوند در قرآن، اجر وفاداران بر بیعت را اجر بزرگی توصیف کرده است:

«إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللهَ يَدُ اللهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَن نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَن أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْراً عَظِيماً» (فتح:۱۰)

به راستی کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند. دست تو به منزله‌ی دست خداست که برای بیعت بالای دست‌های آنان قرار دارد. پس هر کس بیعتش را با تو بشکند، بیعت با خدا را شکسته است و خدا از آن زیانی نمی‌بیند، بلکه او به خود زیان رسانده است؛ و هرکس به آنچه با خدا بر آن پیمان بسته است وفا کند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او خواهد بخشید.

زنان با وفای به عهدی که با پیامبرﷺ بسته بودند در قالب‌های مختلف به پشتیبانی معنوی و مادی آن‌حضرت پرداختند. هرگاه پیامبرگرامی اسلامﷺنیازمند کمک و حمایت بود، زنان هم‌چون مردان به یاری او می‌شتافتند. لذا این عهد و بیعت‌ها نیز بسیار ارزشمند است.

۴ـ شرایط سخت حاکم بر مکّه و تحمیل سختی‌ها و فشارهای زیادی بر پیروان محمّدﷺ مانعی بسیار بزرگ در جهت عدم بیعت و پیروی از محمّدﷺ بود امّا تغییر خودپنداره زنان با آگاهی از هویّت ارزشمند انسانی خود و مشاهده تفاوتی معنادار میان وضع موجود با آرمان‌ها و نظام اجتماعی که پیامبرﷺ ترسیم کرده بود در پی تغییر وضعیت اجتماعی خود برآمدند. زنان نخستین کسانی‌اند که از همان آغاز به ندای پیامبرﷺلبیک گفته و پا به پای اوج‌گیری نهضت در تمامی عرصه‌ها جان بر کف شرکت کردند و تا پای جان و مال خود مقاومت و ایستادگی کردند.

اوّلین مسلمان بعد از رسول‌خداﷺ زنی به نام خدیجه علیها السلام (همسر پیامبرﷺ) می‌باشد که به طور مخفیانه با پیامبرﷺ در دره‌های مکّه و خانه خود نماز می‌خواند و در راه دفاع از رسالت پیامبرﷺ تا پای جان کوشید و همه هستی خود را نثار آن کرد و از هیچ کوشش و

فداکاری دریغ نداشت. نخستین شهید آیین پیامبرﷺ زنی به نام سمیه است که در زیر شکنجه بسیار دست از آیین خود برنداشت. بانو زنیّره نخستین فردی است که بر اثر شکنجه چشمان خود را از دست داد. بانو ام شریک عامری که تا پای مرگ شکنجه شد و یا بانو غزیه که به دستور قریشیان سه روز تمام او را تشنه و گرسنه در بیابان می‌گرداندند امّا دست از بیعت خود با پیامبرﷺ برنداشتند. (بردبار، ۱۳۹۲: ۲۹۹).

۵ـ هویّت وقتی ارزشمند است که در مسیر درست و هدفمند قرار بگیرد. برخی از بیعت‌های پیامبراعظمﷺ با زنان به صورت مشروط بوده است البته برخی از مورّخین مانند آقای طبرسی قائلند که تمام بیعت‌های پیامبراعظمﷺ با زنان با شرایطی همراه بوده است، شرایطی که قرآن برای بیعت زنان مکّه بعد از فتح مکّه بیان می‌کند در صدر اسلام نیز مجری بوده است.(طبرسی، بی‌تا: ج۹، ۲۷۶) البته ردیه‌هایی بر این نظر است که اینجا جای بحث پیرامون آن نیست و از بحث اصلی مقاله خارج است. امّا با فرض اینکه بیعت پیامبرﷺ با زنان مشروط بوده است، نکته قابل توجه در اینجا این است که شروط بیعت، باعث شده که بیعت با زنان بیشتر رنگ و بوی اخلاقی و خانوادگی بگیرد و خودپنداره زنان همسو با طبیعت آنان متحول شود. اینکه زنان متعهّد شده‌اند که برای خدا شریک قرار ندهند، خود را به دزدی و زناآلوده نکنند، فرزند کشی نکنند، فرزند دیگران را به شوهران خود منسوب ننمایند و در کارهای خیر با پیامبرﷺ مخالفت نکنند نشان از آن است که پیامبرﷺ در پی آن بود که زنان به الگوی صحیح هویّتی دست یابند به‌گونه‌ای که در مسیر حرکت به سوی غایت خلقت و هماهنگ با بستر تکوین و تشریع باشد.

تکریم زنان

در روزگار جاهلیّت به دلیل بی‌ارزش بودن هویّت زنانه و پایین دست بودن زنان و نقش‌های آنان هرچند که زنان تلاش‌های فراوانی را هم پای مردان خود داشتند امّا مورد تکریم و احترام نبودند. در این بین مادران (اگر آزاد و یا اینکه پسرزا بودند) جایگاه نسبتاً خوبی داشتند. این امر نشان می‌دهد که در فرهنگ و جامعه جاهلیّت «جنس مرد» و «آزاد بودن» از ارزش بالایی

برخوردار بوده و در همه ابعاد زندگی مردم آن عصر اثر گذاشته است و تکریم آن‌ها به مادرانشان از جهت پسرزا بودن او و یا اینکه زاده مادری آزاد هستند، بود نه از حیث مادر بودنش. زیرا مادرانی که کنیز بودند و یا فرزند دختر بدنیا می‌آوردند این موقعیّت را نداشتند.

سیره پیامبراعظمﷺ نشان‌دهنده آن است که توجه ویژه آن‌حضرت به هویّت انسانی افراد بوده است و ایشان با عمل و سخن خویش به طور مستقیم و غیرمستقیم به مبارزه با تبعیض جنسیتی زمان خویش برخاسته است.

نکات قابل تأمل بر تکریم زنان

۱ـ آنگاه که دختر در مقایسه با پسر، حقیر می‌شود، ضعف او به ذلت دگرگون می‌گردد و ذلّت ارزش‌های انسانی‌اش را نابود می‌کند، موجودی می‌شود مملوک مرد، ننگ پدر، بازیچه هوس مرد و بنده منزل شوهر؛ پیامبرگرامی اسلامﷺدختران را به طرق مختلف مورد تکریم و احترام قرار می‌دادند. این رفتار ایشان از سویی صبغه اجتماعی ـ تربیتی داشت و نوعی مبارزه با فرهنگ خشونت بار جاهلی و افکار غلط مردم شبه جزیره عربستان بود و از سوی دیگر باعث هویّت بخشی و ارزشمندی دختران بود. (طیبی، ۱۳۸۶: ۲۱).

۲ـ پیامبراعظمﷺ بوسیله تکریم زنان در موقعیت و شرایط مختلف در پی آن بودند تا هویّت انسانی و ارزش والای زن را برای جامعه عرب تبیین کنند.

ـ همیشه به مناسبت‌های مختلف از مادرانی که به ایشان شیر داده‌اند و زنانی که در پرورش ایشان نقش داشته‌اند چه آزاد بودند و چه کنیز، به نیکی یاد می‌کردند و یا گاهی اوقات برای آنان هدیه می‌فرستادند.(واقدی، ۱۳۷۴: ج۱، ۸۹).

ـ از همسرانشان مخصوصاً حضرت خدیجهعليها‌السلام که در غم و شادی‌ها یار و یاورشان بوده‌اند نیز به نیکی یاد می‌کردند. و البته پیامبرﷺزنانی را که به نوعی با حضرت خدیجهعليها‌السلام در ارتباط بودند (چه دوستان و چه خویشان) نیز مورد تکریم و احترام قرار می‌دادند. (بخاری، بی تا: ج۳، ۴۴).

ـ با زنان مشورت می‌کردند. مانند مشورت با حضرت خدیجه علیها السلام (مجلسی، ۱۴۰۴: ج۱۶، ۱۰) و یا مشورت با ام‌سلمه دختر ابی‌امیه بن مغیره (پیامبر صلی الله علیه و آله او را زنی خردمند و دوراندیش بر می‌شمردند). (بردبار، ۱۳۹۲: ۳۰۰).

ـ رسول‌خدا صلی الله علیه و آله همیشه از زنان بادیه‌نشین دلجویی و قدرشناسی می‌کردند و وفاداری، تعهّد و شهامت آن‌ها را می‌ستودند. مانند تکریم ام‌سنبله (طیبی، ۱۳۸۶: ۶۴).

به علّت درج مفصل همه این موارد در کتاب‌های سیره و جلوگیری از درازگویی به شرح هر یک نمی‌پردازیم.

۳ـ تحقیر کردن، آزار دادن و یا کتک زدن از ویژگی‌های مردان عصر جاهلیّت بود. مخالفت پیامبراعظم صلی الله علیه و آله با هر گونه نگرش تحقیرآمیز نسبت به زنان و رفتارهای ناشایست با آنان در نیز در جهت هویّت‌بخشی و ارزشمندی زنان و مبارزه با هرگونه تبعیض جنسیتی استوار بود.

ـ پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله هرگز زن یا کنیزی را آزار روحی و جسمی نداد و همواره می‌فرمود: «دوست ندارم مردی را ببینم که رگ‌های خود را از خشم نسبت به همسرش متورم کرده است و با زنش می‌جنگد.» (واقدی، ۱۳۸۳: ج۸، ۲۰۴).

ـ وقتی به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر دادند خداوند دختری به او عطا کرده، نگاه حضرت صلی الله علیه و آله به صورت اصحابش افتاد، آثار ناخشنودی را در چهره آنان ملاحظه فرمود: سپس فرمود: ما لَکُم؟ ریحانة أشُمُّها و رزقها علی الله عزّ پوجلّ (حرعاملی، بی تا: ج۱۵، ۱۰۲) شما را چه شده است؟ خداوند گلی به من داده، آنرا می‌بویم و روزی‌اش با خداست. این چنین پیامبراکرم صلی الله علیه و آله ارزش دختر را از زنده بگور شدن تا حدّ گل خوشبویی بالا می‌برد تا مقام و منزلت اصلی زن را پایه‌ریزی کند.

مواردی بسیار در تاریخ است که پیامبر صلی الله علیه و آله از ازدواج اجباری دختران به درخواست پدر نهی می‌کردند و از آنجا که هویّت و شخصیّت خود دختر را به رسمیّت می‌شناختند حق انتخاب همسر را به دست خودش می‌سپردند. (واقدی۱۳۸۳: ، ج۸، ۴۵۶).

۴ـ توصیه مردان به رعایت حقوق زنان و تکریم آن‌ها

پیامبرگرامی اسلامﷺ همیشه به مردان سفارش می‌کردند که حقوق زنان را رعایت کنند و با آنان خوش رفتار باشند. ایشان می‌فرماید:

«ما اکرم النساء الّا کریم و لااهانهن الّا لئیم؛ انسان‌های بزرگوار، زنان را گرامی می‌دارند و افراد پست به آن‌ها اهانت روا می‌دارند.» (پایدار، ۱۳۷۶: ح۱۷۲۸).

در بیانی دیگر فرمودند:

«خیارکم، خیارکم لنسائهم؛ بهترین شما آن است که با زنان بهترین باشد.» (پایدار، ۱۳۷۶: ح۱۴۷۷).

نتیجه

در مدت انقلاب معنوی و فرهنگی پیامبرگرامی اسلامﷺ در مکّه باعث شد تا زنان به شناختی نوین از شخصیّت و هویّت خود برسند، نقش‌های زنانه در جامعه از ارزشمندی برخوردار شود و در روند جامعه‌پذیری، آموزش و خانواده بتوانند مؤثر باشند. زن دیگر موجودی نیست که فقط برای خدمت به مردان باشد و موجودیتی مستقل برای خود نداشته باشد. بلکه در مهّم‌ترین تصمیم زندگی، حق انتخاب و آزادی دارد و صاحب حقوق اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی است که باید مردان آن‌ها را رعایت کنند و او را مورد تکریم قرار دهند. این‌گونه است که پیامبرﷺ هویّت انسانی زن را زنده کرد، زن چون زن است و نیمه دیگر پیکر جامعه بشری است ارزش می‌یابد؛ مادر چون مادر است مقام و ارزش دارد و این‌گونه او را از کالایی بی‌ارزش و یا وسیله‌ای برای کامجویی مردان نجات داد.

براساس آنچه از سیره نبوی به دست می‌آید می‌توان با رویکردی انتقادی، عملکرد چندین ساله جامعه را به منظور تصحیح عملکرد آینده مورد سوال قرار داد و تلاش در جهت بهبود جامعه کرد.

منابع

- قرآن کریم مطهری، مرتضی؛ مسئله حجاب؛ تهران: صدرا، ۱۳۵۷.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم؛ لسان‌العرب؛ ج ۶ ،بیروت: داراحیاء، چاپ سوم، بی‌تا.
- اصفهانی، راغب؛ المفردات فی غرایب‌القرآن؛ دمشق: دارالقلم، الطبعه الاولی، ۱۴۱۲.
- بخاری، اسماعیل؛ تاریخ الکبیر؛ ج۳، بی‌جا، مکتبه الاسلامیه، بی‌تا.
- بردبار، محمدحسن؛ جامعه‌شناسی حقوق زن؛ تهران: دانشگران محمود، ۱۳۹۲.
- بیستونی محمد؛ تفسیر زنان؛ ج۱، مشهد: آستان‌قدس‌رضوی، به‌نشر، ۱۳۸۸.
- حدّاد عادل، غلامعلی دانشنامه جهان اسلام تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
- حرّعاملی، محمدبن‌حسن؛ وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعه؛ قم: آل‌البیت ﷺ لاحیاء التراث، ۱۳۷۴.
- روحانی، طاهره؛ زنان دین گستر در تاریخ اسلام؛ قم: مرکز جهانی علوم اسلامی،۱۳۸۲.
- سبحانی، جعفر؛ فروغ ابدیت؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.
- طباطبایی، محمدحسین؛ تفسیر المیزان؛ ج۱۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷.
- طبرسی، فضل‌بن‌حسن؛ اعلام‌الوری باعلام‌الهدی؛ تحقیق سیدحسن خراسانی، بی‌جا، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
- طیبی، ناهید؛ گونه‌شناسی رفتار پیامبر ﷺ اعظم با زنان؛ قم: کتاب طه، ۱۳۸۶.
- گل‌محمدی، احمد؛ جهانی شدن فرهنگ، هویّت؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.
- گیدنز، آنتونی با همکاری کارل بردسال؛ جامعه‌شناسی؛ ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشرنی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- مجلسی محمدباقر؛ بحارالانوار؛ ج ۱۶، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
- ملک‌زاده، محمد؛ سیره سیاسی معصومان در عصر حاکمیت جور؛ سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
- واقدی، محمد بن سعد؛ طبقات الکبری؛ ج۱، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴.